

وقتی ملتی در کنار هم می خوانند

حسین عبده تبریزی

درگذشت استاد بزرگ و یگانه آواز ایران صرفاً نقطهٔ پایان بر گذار سرافرازانه هنرمندی توانا نیست، بلکه به معنای عبور از فصلی از تاریخ موسیقی آوازی ایران است. موسیقی او با دل، ذهن و روح صحبت می‌کند. زیبایی، خرد و عشق در موسیقی استاد شجریان بیانگر درک عمیق از نهاد انسانی است. شنیدن خبر درگذشت استاد شجریان برای ایرانیان در این روزهای سخت تحریم و کرونا ویرانگر بود.

صدای جادویی و دوران‌ساز شجریان سنگ بنای تجدید حیات موسیقی سنتی ایران شد. آن گاه که ترانه نسیم سحر محمدتقی بهار را با صدای شجریان می‌شنوی،

نسیم سحر بر چمن گذر کن

ز ما بلبل خسته را خبر کن

بگو آشیان ز آب دیده تر کن

ز بیداد گل آه و ناله سر کن

شبی سحر کن - شبی سحر کن

یا آن زمان که به میهمانی آواز باد خزان محمدتقی بهار می‌روی،

باد خزان وزان شد چهرهٔ گل، نهان شد

طلایهٔ لشکر خزان / از دو طرف عیان شد چو ابر بهمن ز چشم من / چشمه خون روان شد

ترکیب خیره‌کننده صدایی قدرتمند، صدایی نمادین، با شعری در اوج و با سازهای اصیل ایرانی، شنونده را تا ابد دلبسته هنرمندی شجریان می‌کند. این صدای متمایز از دهه ۵۰ تا امروز به موفقیت‌های غیرقابل‌تصوری دست یافته و این استعداد با تلاشی پیگیر توانسته در دل و جان مردم ایران بنشیند.

شجریان با عشقی که به موسیقی اصیل داشت، از عارف غافل نماند؛ عارفی که در جوانی از دربار فرار کرد تا زینت‌المجالس مشتی بی‌کاره بی‌درد نباشد و ترانه‌های خود را به میان مردم ببرد. شجریان چند ترانه از عارف خواند که بی‌اغراق بار دیگر یاد آن دلسوخته میهن را در دل ایرانیان زنده کرد. ترانه‌های شگفت‌انگیز خون جوانان، بهار دلکش، افتخار آفاق و... که با آن کیفیت ملودیک ماندگار اجرا شد، یاد شجریان و عارف را در تاریخ ایران زنده نگاه می‌دارد.

ترانه‌های پرشور و حال شیدا از چشم گوهرپسند شجریان پنهان نماند. ای بت‌چین، عشق تو، و نبود ز رخت را گوش کنید تا بپذیریم که شجریان برای «ستاره‌شدن» متولد شده بود. این توان تصنیف‌خوانی شجریان بود که این ترانه‌ها را به نشانه برجسته موسیقی ایرانی تبدیل کرد.

عشق تو آتش، جانا زد بر دل من
بر باد غم داد، عشقت، آب و گل من

نبود ز رخت قسمت ما غیر نگاهی
آن هم ندهد دست، مگر گاه‌به‌گاهی

استاد بی‌بدیل آواز ایران در گزینش شعر برای آواز آن قدر سختگیر بود که دامنه انتخاب از شعر کلاسیک ما را به استادان بزرگ غزل، یعنی حافظ، سعدی و مولوی محدود کرده بود. صدای شجریان درآمیخته با اشعار این بزرگان و آوازهایی چند از نوگرایان شعر برآستی سرود ناهید بود که در فلک آبی‌گون این سرزمین طنین می‌انداخت. ربنای شجریان نشان‌دهنده تنوع خیره‌کننده توانایی صدای شجریان است که بر روح می‌نشیند.

آواز شجریان لحنی مسلط و در عین حال روح‌انگیز با قابلیت عجیب تزریق احساسات به شنونده را دارد.

شکوفایی هنر آواز وی در پی آشنایی با هوشنگ ابتهاج و محمدرضا لطفی راه برون‌رفت از موسیقی سنتی یکنواخت و تکراری را نشان داد و جوانانی را که از موسیقی سنتی به سبک

گل‌ها ناخرسند بودند، با اجرایی تازه از آثار موسیقی‌دانان بزرگ اواخر قاجار (شیدا، عارف، درویش‌خان، امیر جاهد و...) به گنجینه پرارزش موسیقی سنتی ایران فراخواند.

تأثیر هنر شجریان بر صنعت موزیک ایران، یعنی بر شرکت‌ها و افرادی که با اجرای زنده موسیقی، ضبط صدا و موزیک ویدئو و آلات موسیقی و... زندگی می‌گذرانند، می‌تواند موضوع ده‌ها پایان‌نامه باشد. اینکه موسیقی او چه تأثیری بر زندگی اقتصادی و مالی ترانه‌سرایان، آهنگسازان، خوانندگان، نوازندگان، رهبران ارکستر، رهبران گروه اجرای موسیقی، مدرسان موسیقی و مدیران کلاس‌های موسیقی، تهیه‌کنندگان و ناشران موسیقی، مهندسان، خرده‌فروشان محصولات موسیقی و موسیقی برخط، مالکان و کارکنان استودیوهای ضبط و فروشندگان محصولات آنها و... دارد، موضوع مهمی برای پژوهشگران اقتصاد است؛ اما بی‌شک محبوبیت موسیقی شجریان، فروش محصولات موسیقایی سنتی (به‌ویژه در عرصه آموزش) را که مدت‌ها گرفتار رکود بود، به اوجی بی‌سابقه رساند.

اما بررسی آثار اقتصادی موسیقی او به مراتب فراتر از این مرزها می‌رود. صدای شجریان ویژگی «کالای عمومی» را داشته است. بدون تحمل هیچ هزینه‌ای، بدون هیچ محدودیتی، موسیقی او در چارچوب عمومی قابل استفاده بوده است. کالای عمومی «کالا» یا «خدمتی» است که غالباً دولت بدون چشم‌داشت کسب سود آنها را در اختیار همه اعضای جامعه قرار می‌دهد؛ خدماتی چون «اعمال قانون»، «دفاع ملی»، «محیط‌زیست مناسب» و دسترسی به «هوای تازه». بخش خصوصی هم گاهی «کالاهای عمومی» تولید می‌کند. شجریان چنین متاعی را در اختیار عامه قرار داده بود و بی‌چشم‌داشت سود، «کالای عمومی» در اختیار جامعه قرار می‌داد که از آن به غایت لذت برده و بهره می‌جستند. تولید «کالای عمومی» بی‌شک نیاز به استقلال عمل دارد. جای شگفتی است که دولت‌ها برای کسی که چنین امکانی را برای ارتقای رفاه جامعه تولید می‌کند، محدودیت قائل شوند و به جای کمک به عرضه گسترده «کالاهای عمومی»، مجاری توزیع آن را محدود کنند.

در عصر دیجیتال امروز که صنعت ضبط موسیقی به شدت تحت تأثیر آن قرار گرفته و برحسب آخرین آمار نزدیک به ۵۰ درصد بازار خود را در سطح جهان از دست داده است، «بازار ثانویه» موسیقی نقش مهمی در گسترش این محصول فرهنگی دارد. این بازار به پخش رادیویی و تلویزیونی، پخش در فیلم‌های تلویزیون، کارتون‌ها، بازی‌ها و تبلیغات مربوط است. صدور مجوز موسیقی در «بازار اصلی» محصولات موسیقی بیشتری را به بازار ثانویه پیوند می‌زند. برندسازی (نشان تجاری)، حمایت مالی (اسپانسرها) و تجارت بین شبکه‌های بین‌المللی همه منابع جدیدی برای موسیقی ایران می‌توانست باشد که در دل «بازار ثانویه» جای می‌گیرند. جای تأسف است که در این عرصه نیز این امکان فراهم نشد که از برند پرآوازه شجریان برای تقویت بازارهای موسیقی اولیه و ثانویه و کمک گسترده به موسیقی‌دانان جوان و دست‌اندرکاران بازار موسیقی استفاده شود.

نقش اقتصادی محصولات هنری شجریان در چارچوب اقتصاد رفتاری موسیقی بسیار برجسته‌تر است. موسیقی طیف منحصربه‌فردی از موقعیت‌ها را برای مطالعه رفتار «حق انتخاب انسان» ارائه می‌دهد. دشوار است که موقعیت در مقیاس بزرگ هنر شجریان را از این دیدگاه تحلیل کرد. ماهیت غنی، چندحسی، زیبایی‌شناختانه و بسیار احساسی موسیقی شجریان توانایی به چالش کشیدن برخی نظریه‌ها در این زمینه را دارد و به گمان من دامنه نفوذ آنها را تعمیم داده است. اقتصاد رفتاری موسیقی به ما امکاناتی می‌دهد که نقش او را در گسترش رفاه در جامعه، در ایجاد آرامش فکری، در توسعه توان کاری آحاد جامعه، در آماده‌سازی روان برای کار دشوار اقتصادی و... ارزیابی کنیم. اقتصاد سنتی از دهه ۷۰ میلادی از دریچه اقتصاد سنتی (بایون، استیگلر و بکر) به بررسی نقش هنر در اقتصاد پرداخته است. تنها در دهه آخر قرن گذشته بود که بررسی موضوع از دیدگاه اقتصاد رفتاری را قالب بهتری برای رسیدن به نتیجه دانسته‌اند. از دریچه این علم باید به نقش عظیمی پرداخت که شجریان طی سال‌های فعالیت در صنعت صدا و آواز برعهده گرفته است.

صدای قدرتمند شجریان بر قدرت تمدن ایران و بر قدرت ملت افزوده است. آوازهای به یادماندنی او از درد زندگی واقعی مردم کاسته است. دامنه آوازی شش دانگ کامل وی امضای شجریان است. معاصرانش از صدای او به عنوان صدای آوازخوان افسانه‌ای ایران یاد کرده‌اند. بدون شک این صدا شناخته‌شده‌ترین و تأثیرگذارترین صدا در موسیقی ایران است. تصنیف‌های خیره‌کننده‌اش یگانه و ماندگار خواهند ماند. شجریانی که سال‌های طولانی در هر گوشه‌ای تازه‌های موسیقی ایران را دنبال می‌کرد، حداقل در دو دهه آخر از عمر پربارش، آن‌چنان در اوج بود که راهی جز دنباله‌روی و نقد از خود برای ارتقاء نداشت.

تصنیف مرغ سحر با صدای شجریان صدای ملتی است که در کنار یکدیگر آینده بهتری را برای این سرزمین فریاد می‌کشند.